

منازعه صائب تبریزی با کلیم همدانی

اخوی محترم آقای حاجی محمد نخجوانی از مسافرت هند در سال ۱۳۳۳ شمسی بعضی یادداشتهائی آورده اند که قابل ملاحظه است. از آنجمله یکی اینست: ضمن مطالعه کتب قدیمه خطی در کتابخانه های هند در حاشیه یک کتاب خطی مطلب زیر را که منازعه دو سخنور ایرانی است و تاکنون در جایی ذکر نشده است دیده و بقرار زیر یادداشت نموده اند:

«روزی در مجلس ادبی نواب ظفرخان از امرای سلاطین هند چند نفر از ادبا و شعرا جمع بودند صائب تبریزی و کلیم همدانی نیز حضور داشتند. ظفرخان خطاب بشعرا نموده و درخواست کرد که در توصیف کسی که زخم دندان داشته باشد شعری طرح نمایند اول کلیم این بیت را بداهمه خواند

زخم دندان خوب تر کرد آن لب پر خنده را قیمت آری بیشتر گردد عقیق کنده را
اهل مجلس تحسین و آفرین گفتند بعد نوبت بصائب تبریزی رسید او نیز گوهر این شعر را سفت

بباشد بلبش نشان دندان نقشی (یا زخمی) (۱) که) بدعا نشیند

مجلسیان در حق صائب بیشتر از کلیم تحسین و تمجید و آفرین گفتند کلیم تاب نیاورده در حالی که عصبانی بود این شعر را خواند

پیش این گوهریانی که درین بازارند قیمت رشته فروتر بود از گوهر ما
این شعر نیز بمیرزا صائب برخورد و حالت عصبی پیدا کرده بخود پیچید و این شعر را در جواب کلیم گفت

تیره روزی بین که می خواهد کلیم بی زبان پیش شمع طور اظهار زبان دانی کند
کلیم سخت غضبناک شد و دست بخنجر برده خواست بصائب حمله کند میرزا صائب نیز مستعد جنگ و دفاع از وی شد مجلسیان از هر طرف مانع شدند نواب ظفرخان گفت یاران اینجا عرصه اشعار است نه میدان کارزار بالاخره با ملایمت و مهربانی میان هر دو سخنگوی بی نظیر صلح و آشتی دادند» .